

زندگی

«مادر» در سینمای ایران و جهان مفهومی فراملیتی به نام «مادر»

زهره صالحی نیا
نویسنده

دیدن فیلم براساس یک موضوع و یا رخداد می‌تواند تفریح خانوادگی جذابی باشد. می‌توانید درباره آن موضوع در جمع گفت‌وگو کنید و زمانی را در کنار هم سپری کنید. فیلم و سریال با محوریت موضوع مادر و یا نمایش نقش مادر در سینمای ایران و جهان به وفور یافت می‌شود. در واقع آثار مکتوب و نمایشی با محوریت مادر و پدر بسیار خلق شده و علت این تعداد از اهمیت این نقش‌ها و همچنین تأثیری که روی تک تک افراد می‌گذارد، است. البته در انتخاب محتوای تصویری که در جمع خانواده به نمایش درمی‌آید این نکته را باید توجه داشت که فیلم و یا سریال مناسب سن و شرایط روحی همه اعضای خانواده باشد.



برای روز مادر شاید مناسب نباشد چون میزان غم و غصه جاری در آن بیش از تحمل یک روز عید است. دیدن فیلم «باشو غریبه کوچک» هم پس از نزدیک به چهار سال بعد از ساختش می‌تواند جالب توجه باشد. فیلم‌هایی مانند «گیلانه» و «شیار ۱۴۳» و فیلم درخشان «ویلائی‌ها» هم تصویری از مادران در مواجهه با جنگ و سال‌های دفاع مقدس و بعد از آن را به نمایش می‌گذارند که در هر کدام از این فیلم‌ها رویکرد متفاوتی را نسبت به موضوعی واحد شاهد هستیم. در میان آثار ایرانی فیلم «خانه‌ای در خیابان چهل و یکم» اثر کمتر پرداخته شده‌ای است که قهرمان اصلی و آرام و بی‌سروصدایش مادر سن و سال داری است که فرزندان درگیر مسأله تلخی شده‌اند. اگرچه داستان فیلم تلخ است اما ترسیم مادر در این فیلم بسیار نزدیک به واقعیت رفتاری یک مادر و مادر بزرگ ایرانی است. تلاش برای مدیریت روابط در یک خانواده و رفتاری معقولانه به دور از هیجانانگیزی که همواره در رفتار مادرهای تلویزیونی و سینمای ایران می‌بینیم باعث شده که مادر این فیلم و رفتار و انتخاب‌هایش قابل فکر و بررسی باشد و اگرچه بهتر است این فیلم را در جمع خانواده نبینید اما برای دیدن در تنهایی گزینه مناسبی است.

سینمای ایران

در بین آثار سینمای ایران که با محوریت موضوع مادر تولید شده، آثار معروفی وجود دارد که ما اکثر آنها را در پخش مناسبتی صداوسیما دیده‌ایم. البته در این دسته‌بندی فیلم‌های با موضوعیت زنان را فاکتور می‌گیریم و فقط به فیلم‌هایی با موضوع مادر می‌پردازیم. یکی از معروف‌ترین فیلم‌های سینمای ایران فیلم «مادر» اثر زنده یاد علی حاتمی است که روایتی شاعرانه از روزهای آخر زندگی یک مادر در جمع فرزندانش دارد. این فیلم در حوالی روز مادر از یکی از شبکه‌های صداوسیما پخش شده است، درباره‌اش هم حرف بسیار زده شده. پیشنهاد ما این است که این بار اگر فیلم را دیدید نقد شهید آوینی بر این فیلم را نیز مطالعه کنید اگرچه ممکن است رویکرد متفاوتش نسبت به فیلمی که همواره دوست داشتنی و لطیف معرفی شده کمی تند باشد اما جالب توجه است. فیلم «مهمان مامان» و «میم مثل مادر» هم از گزینه‌های پر استفاده در این روز است. مهمان مامان از روی داستانی با همین نام ساخته شده و خواندن داستان اصلی که از هوشنگ مرادی کرمانی است هم خالی از لطف نیست اما فیلم میم مثل مادر حداقل

سینمای جهان

برای انتخاب فیلمی که بتوانید در جمع خانواده هم آن را ببینید شاید فیلم Wonder بهترین گزینه باشد. اصلاً دیدن این فیلم در هر شرایط و با هر موضوعی سازگار است. البته قهرمان اصلی فیلم پسر بچه‌ای است که با سندرومی نادر به دنیا آمده و حالا باید با وجود شرایط خاصش با دنیای نوجوانی هم مواجه شود اما شخصیت مادر داستان مانند جسی است که تمام اعضای خانواده و حتی دنیای داتان را کنار هم سالم و شاد نگاه می‌دارد. در فیلم قدرت همدلی از مادر آغاز می‌شود و به تک تک اعضای خانواده سرایت می‌کند مانند جاری شدن یک رود به تمام روابط خانواده سر می‌زند و همه را سیراب می‌کند، Wonder فیلمی است در ستایش خانواده و ارزش خانواده. سریال This is us که فصل آخرش امسال پخش شد هم گزینه بسیار خوبی است برای دیدن. البته همه را یکجا در روز مادر نبینید. سریال روایت یک خانواده است در چند نسل و با محوریت یک زوج و فرزندان‌شان، نقش پررنگ



و تأثیرگذار مادر خانواده به‌عنوان یک مادر وزن در پیشبرد سریال تا قسمت آخر ادامه دارد. ربکار مادر مهربان و شجاعی است که تلاش می‌کند هر روز رشد کند و فرزندان‌ش را در مسیر رشد همراهی کند از تغییر و شرایط جدید نمی‌ترسد و در مقابل غافلگیری‌های دنیا تلاش می‌کند که نشکند. اگرچه زندگی آسانی نداشته اما تا روزهای آخر عمرش منبع شادی و مهر خانواده‌اش است و آنها را کنار هم نگه می‌دارد.

در انتخاب محتوای تصویری که در جمع خانواده به نمایش درمی‌آید این نکته را باید توجه داشت که فیلم یا سریال مناسب سن و شرایط روحی همه اعضای خانواده باشد.

یادداشت دبیر

من یک‌هوا مادر شدم

آیه طائبی
دبیر گروه زندگی

من یک‌هوا مادر یک دختر دو سال و هشت ماهه شدم. درست ۱۰ ماه پیش. به عبارت دیگر اولین سالی‌ست که من مادری را تجربه می‌کنم و آن هم با یک دختر سه‌ساله.

زیاد در این ۱۰ ماه پیش آمده که به سال‌های قبل فکر کنم. به آن آزادی مطلق که داشتم. تا هر زمان دلم می‌خواست سرکار می‌ماندم، ساعت‌های طولانی کافه می‌رفتم. فیلم می‌دیدم، خیابان‌ها را قدم می‌زدیم. جلسه‌های مختلف، دوره‌ها و کلاس‌های متفاوت شرکت می‌کردیم و حتی شب‌نشینی‌هایی که با دوستان مان داشتم.

یکبار مادری به من گفت، تا قبل از بچه‌دار شدن هر قدر دلت می‌خواهد کتاب بخوان و فیلم ببین که بعد از آن تا سال‌ها وقت هیچ کاری را نداری. آن روزها به این حرف می‌خندیدم چون قبول نداشتم حضور یک کودک تا این حد می‌تواند زمان را از دست آدم در بیاورد. حالا البته نمی‌خندم اما باز هم حرفش را قبول ندارم. من هنوز هم می‌توانم فیلم ببینم، کتاب بخوانم و حتی به تماشای تئاتر بروم، فقط در زمان بندی این فعالیت‌ها آنقدر که پیش‌تر، آزاد نیستم.

اما راستش را بخواهید وقتی به آن سال‌های قبل فکر می‌کنم هم مسأله‌ام آن کارها نیست. آنها را حالا هم با مدیریت زمان و همکاری می‌توانم داشته باشم اما آن سال‌ها خیلی کمتر مورد قضاوت دیگران بودم. حالا گاهی در تعامل با آدم‌ها بودن برام سخت می‌شود.

بسیاری مواقع مادران زیستی به مادران غیرزیستی به چشم تحقیر نگاه می‌کنند. با حالتی غیردوستانه اما با خنده می‌گویند، «خوبه دیگه، نه چک زدید نه چونه، به دختر سه ساله راحت و آماده اومد توی خونه» بعد با لحنی اعتراضی می‌گویند که وقتی نه زایمان کردی، نه پروسه شیردهی و از شیر گرفتن را گذرانده‌ای و نه شب بیداری‌های نوزادی را، نباید خیلی هم خودت را «مادر» بدانی.

من اغلب خودم را درگیر این بحث‌ها نمی‌کنم، لازم ندارم به کسی توضیح دهم که ما در این ۱۰ ماه، دو سال و هشت ماه از روی دور تند و با فشار زیاد گذرانیدیم. لازم نیست بگویم چقدر شب‌ها پای کابوس دیدن‌های دخترم بیدار می‌نشینم و مستأصل و ناتوان فقط نگاهش می‌کنم، چون نمی‌شود در آن حالت از خواب بیدارش کرد. توضیح نمی‌دهم که ساختن یک رابطه از میان راه چقدر پیچیده و گاهی پرچالش است. اما وقتی به این ۱۰ ماه و حجم قضاوت‌ها نگاه می‌کنم دلم برای تعاملات ساده اجتماعی کمی تنگ می‌شود.

همه این حس‌های متفاوت و متناقض را تجربه می‌کنم تا وقتی که صدا بزنند «مامان آیه جونم» آنجاست که می‌گویم «ارزشش را دارد» و رها می‌کنم همه آدم‌هایی که رابطه زیبایی مادر-فرزندی‌مان را نمی‌فهمند و کج کج نگاه‌مان می‌کنند.



گاهی حس‌های متفاوت و متناقضی را تجربه می‌کنم تا وقتی که صدا بزنند «مامان آیه جونم» آنجاست که می‌گویم «ارزشش را دارد» و رها می‌کنم همه آدم‌هایی که رابطه زیبایی مادر-فرزندی‌مان را نمی‌فهمند و کج کج نگاه‌مان می‌کنند

